فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۳۲)، تابستان ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۴۸-۱۲۷

اعتبارسنجی سازه‌های زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی مورد: شهرستان قلعه گنج

مهدی قربانی*؛ دانشیار گروه احیاء مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
احمد حاج علیزاده، استادیار گروه جغرافیای انسانی، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران.
مسعود حیدروند، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۳۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی اثرات صندوق اعتبار خرد بر زیست‌پذیری خانوارهایی روستایی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیهٔ اعضای صندوق‌های خرد روستایی دهستان چاه داد خدا شهرستان قلعه گنج بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۴۶۵ نفر محاسبه شد که برای افزایش اعتبار یافته‌ها تعداد ۴۷۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری توزیع شد که در نهایت تعداد ۴۶۵ نفر پرسشنامه را تکمیل و عودت دادند و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار $SPSS_{25}$ و $LISREL_{8.8}$ انجام شد. به منظور بررسی برازش مدل اندازه‌گیری سازه ابعاد زیست‌پذیری، داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار لیزرل و با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفتند. نتایج تحقیق نشان داد در بین شاخص‌های زیست‌پذیری شاخص‌های مشارکت و همبستگی و اشتغال و درآمد از وضعیت بهتری نسبت به دیگر شاخص‌ها برخوردارند و شاخص‌های وضعیت مسکن و امکانات و خدمات زیرساختی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. همچنین یافته‌ها نشان‌داد شاخص‌های نیکویی برازش مطلق (AGFI= ۰/۹۱ و GFI= ۰/۹۲)، تطبیقی (NNFI= ۰/۹۱، CFI= ۰/۹۲) و مقتصد (RMSEA = ۰/۰۷۱ و χ^2/df = ۲/۰۳۱) برازش عالی و مناسب مدل اندازه‌گیری ابعاد زیست‌پذیری را با داده‌های مشاهده شده؛ تایید نمودند. در پایان با توجه به نتایج، پیشنهادهایی برای فعال کردن مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی با توجه به فرهنگ و شرایط جوامع مورد مطالعه ارائه شده‌است.

واژگان کلیدی: اعتبارات خرد روستایی، زیست‌پذیری، کیفیت محیطی، شهرستان قلعه گنج.

* mehghorbani@ut.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

۱) مقدمه

امروزه این مسئله آشکار شده که لازمهٔ رسیدن به توسعه، توجه به روستاها و بخش روستایی به عنوان بخش پایه است. با توجه به این که عمده جمعیت فقیر جهان در مناطق روستایی کشور در حال زندگی هستند (World Bank, 2008: 125). روستاها از جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های توسعه ملی برخوردارند. دولت‌ها همواره از طریق سیاست‌گذاری در برنامه‌ها با اهداف مرتبط و در پی ایجاد تغییر و تحول جهت دستیابی به شرایط مطلوب زیست‌محیطی در سکونتگاه‌های انسانی هستند (NDRII, 2007). از مسایل عمده روستاها، نابسامانی وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مساکن روستایی است شکل مساکن روستایی با توجه به قدمت طولانی بعضی روستاها، بصورت ترکیبی از دو بافت قدیمی و جدید، کهنه و نو است که این دو بافت در کنار هم قرار گرفته‌اند (آسایش، ۱۳۸۶ :125). از این‌رو، در ادبیات توسعه روستایی هدف عمده توسعه، بهبود کیفیت زندگی و رفاه روستاییان به ویژه بهبود زندگی اجتماعی- اقتصادی گروه خاصی از مردم یعنی روستاییان فقیر است. یکی از راه‌های رسیدن به این هدف تغییر در ساخت فیزیکی روستا است (Smith, 2003: 35). بسیاری از محققان و صاحبنظران، حوزه فعالیت توسعه روستایی را شامل پنج بعد اساسی مدیریت منابع طبیعی، امور زیربنایی، توسعه فیزیکی روستاها، مدیریت منابع انسانی و توسعه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی است (Gibson et al., 2010: 238).

آنچه که مسلم است این که فضای روستایی برای زیست تطابق بیشتری با خلق و خوی انسان‌ها دارد اگر بتواند برای زیست امکانات کافی فراهم آورد مسلماً در جذب جمعیت و عرصه‌ی قدرت بلقوه تولیدی خود موفق عمل خواهد کرد (مطیعی‌لنگرودی، 1389 :48). استدلال نظری و یافته‌های تجربی محققان نشان می‌دهد رفاه محل زندگی انسان، ابعاد شخصیتی و ویژگی‌های فردی انسان‌ها و معیشت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Epley et al., 2008, 287).

از این‌رو، آنچه که مسلم است این است که بافت‌های قدیمی روستاها متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری گذشته بوده است و بدیهی است که با توجه به تحول شرایط زندگی در روستاها در گذر زمان و در عرصه‌های مختلف بافت قدیمی با زندگی امروزی هماهنگی لازم را ندارد و حداقل لازم است اصلاحاتی در آن به وجود آید تا بتواند شرایط مناسب زندگی را فراهم نماید (رضوانی، 1387: 151). با توجه به اهمیت موضوع، در سال‌های أخیر در مناطق روستایی کشور طرح‌های متعددی طراحی و اجرا شده است (برزو و همکاران، 1389: 154). اما نتایج مطالعات مختلف حاکی از آن که در عمل مناطق روستایی مختلف کشور با مشکلات متعددی رو به‌روست و در نتیجه به شکل مناسبی نتوانسته است تغییرات مثبت پیش‌بینی شده در روستاها را ایجاد نماید؛ به طوری که هنوز بیشتر شاخص-های توسعه در روستاهای کشور در سطح مطلوبی قرار ندارد و تأثیر معنی‌داری بر معیشت زندگی روستاییان نگذاشته است (عزیزپور و حسینی‌حاصل، 1387).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

با توجه به این شرایط امروزه رهیافت‌های گوناگونی از جمله پایداری، کیفیت زندگی، رشد هوشمند، نوشهرگرایی و زیست‌پذیری برای مواجهه با مسائل بالا مطرح شده است. رهیافت‌های یادشده هر چند در پرداختن به رضایت افراد، ارزیابی ساکنان از محیط، امنیت، بهداشت، کیفیت مکان، محبوبیت عمومی و سیاستگذاری، هم‌پوشانی دارند (علی اکبری و اکبری، ۱۳۹۶)؛ اغلب ریشه و مبنا متفاوت است. در این راستا، زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم پیچیده و چند بعدی و کیفی با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود می‌تواند بسیار گسترده و یا محدود باشد (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۳). به عبارتی زیست‌پذیری به سیستمی اطلاق می‌شود که در آن به سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنان توجه شده است (Cities plus, 2003). زیست‌پذیری شامل یک مجموعه مرتبط از اجزای اقتصادی، فضایی و اجتماعی است که در کنارهم برای برنامه‌ریزی و توسعه الزامی است(حکیم دوست و همکاران، ۱۳۹۷). در بیشتر متون مفهوم زیست‌پذیری با کیفیت زندگی به صورت مترادف بیان شده است(ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹). با این وجود کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار دارد و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولا تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (Perogordo Madrid, 2007).

به طور کلی تعاریف ارائه شده تاکنون بیشتر با توجه به اهمیت ضرورت تغییر در اولویت‌های برنامه-ریزی، به سمت نیازهای روزافزون جامعه فراصنعتی و در جستجوی تسهیلات و کیفیت زندگی بوده است. در حالی که مفهوم زیست‌پذیری به دلیل اهمیت تهدیدکننده کیفیت زندگی رشد یافته است. عواملی مانند رشد سریع شهرنشینی، کاهش اراضی زراعی و فضاهای باز، کمبود مسکن، رشد نابرابری اجتماعی، ضعف رو به تزاید هویت محلی، مکانی و زندگی اجتماعی، تهدیدهای جدی برای زیست‌پذیری اجتماع محسوب می‌شوند (Kotkin, 2001; Inglehart, 1990).

از این‌رو، مسئله کیفیت زندگی و ایجاد سطح بالاتری از درآمد و اشتغال، از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل در مبحث توسعه روستایی محسوب می‌شود. در واقع، اگر هدف توسعه را به طور مشخص رهایی از چنگال فقر و کاهش سطح آن از طریق ایجاد اشتغال برای تهیدستان روستایی، تأمین حداقل نیازهای اساسی قابل قبول برای همه، تأکید بر اعتماد به نفس جمعی و ملی و توازن و بهبود کیفیت محیط زندگی تعریف کنیم؛ جامعه و مناطق روستایی یکی از کانون‌های مهم برای برآورده ساختن این اهداف خواهد بود و توسعه روستایی سهم بسیاری در دستیابی به اهداف کلی توسعه در سطح ملی خواهد داشت. در این میان، دهستان چاه دادخدا واقع در شهرستان قلعه گنج دارای پدیده‌های چون افت شتابان محیطی، دگرگونی بدون برنامه کاربرد زمین، کمبودهای شدید خدماتی و نیازهای پاسخ داده نشده است که از اثرات منفی مجاورت شهرها و روستاها صدمه می‌بینند را تجربه می‌کند. روستاهای این منطقه دارای ویژگی‌هایی مانند مهاجرپذیری، توسعه‌ی روستاها، آمیختگی اجتماعی و قومیّتی هستند. بر این اساس، صدمات و خطرات ناشی از همجواری‌ها و شرایط نامناسب در این روستاها را می‌توان از جمله خطرهای کالبدی مربوط به سکونت در مساکن نامناسب و ناامن، نبود بهداشت محیط لازم و کافی، محرومیّت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی، دانست. برآیند تمامی این مشکلات، شکل‌گیری نابرابری اقتصادی- اجتماعی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

کیفیت پایین زندگی و در نهایت افت سطح زیست‌پذیری در این روستاها است. آنچه در این تحقیق مدّنظر قرار دارد، ادراک ذهنی افراد از وضعیّت تأمین زیست‌پذیری خود در روستاهای مورد مطالعه است. به این معنا که برخلاف فرایندهای رایج برنامه‌ریزی که با تکیه بر استانداردها و سرانه‌ها سعی بر شناسایی نحوه و کیفیت تأمین زیست‌پذیری افراد دارند، در این جا تأکید بر پرسش از مردم و دریافت بازخورد از ایشان در مورد دیدگاهشان از نحوه و تأمین وضعیّت زیست‌پذیری‌شان در جهت تبدیل روستا به محفل مناسب و مطلوب برای کار و زندگی است. بنابراین هدف از این تحقیق، بررسی اعتبارسنجی سازه‌های زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های اعتبار خرد روستایی این دهستان است.

۲) مبانی نظری

هر انسانی فارغ از اینکه در شهر یا روستا زندگی کند، در پی دستیابی به زندگی مطلوب و رضایت-بخش است و طبیعتاً برای داشتن زندگی مطلوب، رضایت‌بخش و پرمعنی، زمینه‌ها و عواملی لازم است که انسان بتواند بر پایه آن آسایش و رفاه درازمدتی را برای خود و اجتماعش فراهم نماید (رستمعلی‌زاده و سلیانی، ۱۳۹۰). این شرایط که به اعتقاد برخی از نویسندگان مترادف با "زیست‌پذیری" یا"شرایط مناسب برای زندگی" است به‌طور کلی اشاره به مجموعه‌ای از ویژگی‌های عینی دارد که یک مکان را به جایی بدل می‌سازد که مردم تمایل دارند هم اکنون و هم در آینده در آن زندگی نمایند. این انگاره به طور کلی مفهومی پیچیده و نسبی است. پیچیده است از آن‌رو که مسلماً عوامل متعددی در بهبود شرایط زندگی فرد و جامعه دخیل می‌باشد و نسبی است از آن‌رو که ممکن است اصول و مشخصه‌هایی که در یک جامعه به-عنوان شرایط مطلوب برای زندگی تصور می‌گردد، از منظر دیگر و یا در بخش دیگر از دنیا همان ویژگی‌ها، به شدت نامطلوب به نظر آید (شاطریان و همکاران، 1391).

از این‌رو، در این بخش با مرور برخی از دیدگاه‌های مرتبط با جوامع زیست‌پذیر می‌کوشیم تا در ارتباط با مشخصه‌های جوامع زیست‌پذیر و به‌ویژه زیست‌پذیری روستایی به یک اجماع نظر دست یابیم. تعریف طبقات محور از زیست‌پذیری را نشان می‌دهد که ایده‌های مرتبط با این واژه می‌تواند از طریق طیفی از موفقیت‌ها درک شوند که در یکسوی این طیف نیازهای ابتدایی و مرتبط با حیات و زندگی و در سوی دیگر آن پرداختن به نیازهای لوکس و فرصت‌های متعدد در رسیدن به زندگی مطلوب قرارگرفته است (Cobb, 2000: 39). براین اساس در این قسمت سعی شده است تا با مرور برخی از این تعاریف و دیدگاه‌ها، به درک بهتری از آن دست یابیم. زیست‌پذیری به سیستمی اطلاق می‌گردد که به ارتقاء خوشبختی ذهنی، اجتماعی و فیزیکی و توسعه ساکنانش توجه دارد و اصول کلیدی آن عدالت، کرامت، دسترسی، تعامل، مشارکت و توانمندسازی است(Song, 2011, 3). انسان‌ها از همان ابتدای پیدایش جوامع و مجتمع‌های زیستی اولیه در پاسخ به یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی و فطری خویش سعی کرده‌اند محیط و دنیای ساخته شده خود را تحت کنترل در آورند. این کنترل، خود را به صورت نظم، الگو و تشکیل محیط انسان-ساخت منعکس نموده است(شاطریان و همکاران،1391 :128، به نقل از شوای و همکاران،1384).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

در این میان، نظریه زیست‌پذیری اولین بار بر مبنای بررسی آبراهام مازلو درباره نیازهای انسانی شکل گرفت. روانشناس نامی آمریکایی، آبراهام مازلو هرم نیازهای بشری را معرفی کرد. بر اساس هرم مذکور، انسان‌ها در درجه اول برای رفع احتیاجات پایه‌ای خود و سپس برای رفع نیازهای لایه‌های بالاتر تلاش می‌کنند. وینهوون به بسط نظریه فوق در حوزه مباحث کیفیت زندگی پرداخته است. به اعتقاد وی، احساس عمومی مردم، موجب پیدایش زندگی بهتری برای آن‌ها می‌شود، البته زمانی که در اجتماعات بهتر و زیست‌پذیرتری زندگی کنند. وی معتقد است کاملاً روشن نیست که دقیقاً چه اجتماعی، زیست‌پذیرتر است، اما مردم در اجتماعاتی که نیازهایشان بهتر برآورده گردد، شادتر و راضی‌تر هستند(Radcliff, 2001). در واقع، زیست‌پذیری یکی از بزرگترین ایده‌های برنامه‌ریزی در دوران معاصر است و اشاره به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه دارد و در آن به سلامت اجتماعی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه دارد.

تاکنون تعریف روشن و واحدی از مفهوم زیست‌پذیری ارائه نشده است (Leby & Hashim, 2010). در این راستا، کندی و بای معتقدند که مفهوم زیست‌پذیری با عبارت‌هایی نظیر: رفاه جامعه، تعریف می شود و معرف ویژگی‌هایی است که یک مکان را به جایی تبدیل می‌کند که همواره مردم، تمایل دارند در آن زندگی کنند (Kennedy & Buys, 2010). به اعتقاد کندی و بای این مسئله، ناشی از عدم اتفاق نظر و وجود برخی ابهامات در این زمینه است؛ اما هلن معتقد است این تفاوت آرا در میان محققین، امری عادی است؛ زیرا زمینه‌های علمی آنان با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک به تناسب نوع تخصص خود، تعریف خاصی از آن را ارائه کرده‌اند (Heylen, 2006). زیست‌پذیری در بردارنده موضوعاتی چند بعدی در ارتباط با طراحی همراه با جامعه، کاربری زمین، حفاظت از محیط‌زیست، تحرک‌پذیری و دسترسی‌پذیری، بهداشت و سلامت عمومی و رفاه اقتصادی است. بنابراین مفهوم زیست‌پذیری، به مجموعه‌ای از شرایط مورد نیاز برای زندگی مناسب افراد در یک محدوده معین، اطلاق می‌شود که موجبات آسایش، رفاه و رضایت‌مندی ساکنانش را برای مدت زمان طولانی فراهم می‌کنند (Leby & Hashim, 2010).

در این زمینه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در پژوهشی رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، ارزیابی وضعیت زندگی سکونتگاه‌های روستایی را که طی ۱۰ سال أخیر به شهر تبدیل شده‌اند از طریق شاخص‌هایی نظیر مسکن، آموزش، سلامت، بهزیستی فردی، مشارکت، اطلاعات و ارتباطات، تفریح و اوقات فراغت، کار، درآمد و ثروت و کیفیت محیط امکان‌پذیر می‌دانند. جمعه‌پور (1392) در مقاله خود با عنوان تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار) چنین نتیجه‌گیری می‌کند که سطح کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در روستاها در سطح نازلی قرار دارند و افراد میزان کیفیت زندگی و زیست‌پذیری را در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، به‌صورت معناداری، پایین ارزیابی می‌کنند. تفاوت معناداری نیز از نظر میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای واقع در منطقهٔ تحقیق وجود داشت. در پژوهش بندرآباد (1390)، نتایج نشان داد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر شکل شهر شامل سیاست‌های مدیریت شهری، بستر طبیعی، الگوی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

تاریخی، فعالیت اقتصاد شهری و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان بنیان‌های پشتیبانی‌کننده از یک شهر زیست‌پذیر شناسایی شده‌اند.

در پژوهش خراسانی (1391) که با عنوان تعیین زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی انجام گرفت. زیست‌پذیری را در سه بعد اقتصادی، اجتماعی زیست‌محیطی مورد مطالعه قرار داده است. بعد اقتصادی شامل اشتغال، درآمد، مسکن، حمل‌ونقل عمومی، امکانات و خدمات زیرساختی است؛ و بعد اجتماعی شامل آموزش عمومی، بهداشت، مشارکت و همبستگی، پیوستگی و تعلق مکانی، امنیت فردی و اجتماعی و تفریحات و اوقات فراغت است و در نهایت بعد زیست‌محیطی در برگیرنده فضای سبز و باز، آلودگی و چشم‌انداز است. رستمعلی‌زاده و سلیانی (1390)، در یک مطالعه نظری گسترده مدل بهزیستی در نواحی روستایی را ارائه نمودند. ایشان در این بررسی سنجش بهزیستی روستایی را در دو سطح فردی (اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی) و اجتماعی (اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی) معرفی نموده که هریک از این سطوح دارای معیارها و زیر معیارهای خاصی می‌باشند که در جدول ۱، به تفصیل به آنها اشاره شده است. خلاصه‌ای از نتایج برخی تحقیقات در زمینه شاخص‌ها و ابعاد زیست-پذیری در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از نتایج برخی تحقیقات در زمینه شاخص‌ها و ابعاد زیست‌پذیری

محقق (سال)	نتایج (ابعاد و شاخص‌ها)
رضوانی و همکاران (1388)	مسکن، آموزش، سلامت، بهزیستی فردی، مشارکت، اطلاعات و ارتباطات، تفریح و اوقات فراغت، کار، درآمد و ثروت، کیفیت محیط
رستمعلی و سلیانی (۱۳۹۰)	**الف -سطح فردی:** ۱- اجتماعی: میزان آموزش، رهبری، شادکامی، رضایت اجتماعی، حمایت اجتماعی، فعالیت اجتماعی، رضایت شغلی، کیفیت زندگی، قدرت خرید، اعتماد، تعلق اجتماعی، اوقات فراغت و ۲- اقتصادی: بیکاری، اشتغال، سطح درآمد، دستیابی به آموزش عالی، سلامت مالی فردی. 3- بهداشتی:سلامت فردی، ارزیابی روانی و.... **ب -سطح اجتماعی**: ۱- اجتماعی: شبکه اجتماعی، مشارکت، حمایت اجتماعی، تغییرات جمعیتی، تفریح و سرگرمی. 2-اقتصادی : درآمد، اشتغال، سرمایه گذاری، بیکاری فقر 3-.بهداشتی :رضایت از شرایط زندگی، امکانات، تراکم جمعیت، حمل و نقل، تعداد روزهای دارای هوای پاک در محل و....
Omuta (1988) / Lau et al Leby et al (2010)/(2010)	اشتغال و درآمد پایدار
Omuta (1988)/ Visser et al (2005)	مسکن مناسب
Brittne & Gu. Terri., (2009)/ Vancouver Municipality	توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

(2004)	
Holt-Jensen (2001)/ American Institute of Architects (2005)	ایجاد حس مشارکت و همبستگی
American Institute of Architects (2010)/ Victoria & Efiiciency, (2008)	افزایش پیوستگی و تعلق مکانی
Wheeler (2001)/ American Institute of Architects (2005)/ Victoria Transportation Policy Institute (2009)/ Holt-Jensen (2001)/ Balsas (2004)	کیفیت محیطی (زیست‌محیطی)

۳) روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع تحقیقات پیمایشی، براساس هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی، در گردآوری داده‌ها میدانی و براساس روش، از نوع علی‌ارتباطی است. جامعه آماری شامل کلیهٔ اعضای صندوق‌های اعتباری خرد روستایی است. حجم نمونه با استفاده فرمول نمونه‌گیری کوکران محاسبه شد. برای افزایش اعتبار یافته‌ها تعداد ۴۷۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری توزیع شد که در نهایت تعداد ۴۶۵ پرسشنامه توسط آن‌ها تکمیل گردید و عودت داده شد؛ که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و به صورت تصادفی ساده افراد برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار کاربردی در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها پرسشنامه بود. پرسشنامه از دو بخش تشکیل شد: بخش اول ویژگی‌های فردی، بخش دوم؛ بررسی ابعاد زیست‌پذیری (اشتغال و درآمد، مسکن، امکانات و خدمات زیرساختی، مشارکت و همبستگی، پیوستگی و تعلق مکانی و کیفیت محیطی) بود که در چارچوب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (۱- بسیارکم تا ۵- بسیار زیاد) طراحی شد. روایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای کارشناسان و اعضای هیات علمی رشته‌های ترویج و توسعه روستایی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران پس از انجام اصلاح آنان به دست آمد. برای برآورد پایایی ابزار پژوهش با انجام مطالعه مقدماتی (۳۰ پرسشنامه خارج از جامعه اصلی) و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص ترکیبی سنجش ابعاد زیست‌پذیری، بدست آمد (جدول، ۲).

جدول ۲. پایایی ابعاد زیست‌پذیری دهستان چاه دادخدا

پیوستگی و تعلق مکانی	اشتغال و درآمد	مسکن	امکانات و خدمات زیرساختی	همبستگی و مشارکت	کیفیت محیطی
۰/۹۲	۰/۸۹	۰/۶۰	۰/۶۶	۰/۸۷	۰/۹۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

به منظور تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی از نرم‌افزارهای $SPSS_{25}$ و $lisrel_{8.8}$ استفاده شد. بدین منظور در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم بهره‌گرفته شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

شهرستان قلعه گنج بین ۲۷ درجه عرضی و ۵۷ درجه طول جغرافیایی قرار گرفته است، از شمال به شهرستان کهنوج، از جنوب به بندر جاسک، از جنوب شرق به استان سیستان و بلوچستان (شهرستان-های ایرانشهر و نیک شهر)، از شرق به شهرستان رودبار از غرب به منوجان محدود می‌شود. مساحت شهرستان ۱۴۲۰۰ کیلومتر مربع معادل ۳/۳ درصد از کل مساحت استان است و فاصله تا مرکز استان ۴۲۰ کیلومتر است. شهرستان قلعه گنج دارای ۲ بخش مرکزی و چاه دادخدا و ۵ دهستان به نامان دهستان رمشک، مارز، چاه دادخدا، قلعه گنج و سرخ قلعه است.

شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

یافته‌ها شامل دو دسته توصیفی و تحلیلی است. در ابتدا ویژگی‌های توصیفی پرسشنامه را از لحاظ تعداد پاسخگویان، سن، جنس، وضعیت تاهل، گروه‌های شغلی، میزان تحصیلات و مدت اقامت و در قسمت دوم به تشریح وضعیت پاسخگویی به سوالات اصلی تحقیق در قالب مؤلفه‌های زیست‌پذیری از نظر پاسخگویان پرداخته شد.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی (جدول، ۳) اشاره دارد که در ابتدا به مقایسه بین تعداد پاسخگویان در روستاهای دهستان چاه داد خدا پرداخته شده است و در ادامه ویژگی‌های اختصاصی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. با توجه به تعداد پاسخگویی به پرسشنامه در روستاهای مختلف مشخص شد که بیشترین پاسخگویی مربوط به صولان سفلی با تعداد ۸۷ پرسشنامه و زهان و کلات مالک به ترتیب با ۳۳ و ۳۸ پرسشنامه کمترین تعداد پرسشنامه‌ی پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

جدول ۳. تعداد روستاهای مورد مطالعه دهستان چاه دادخدا

روستا	زهان	توریگ ۳	صولان سفلی	صولان علیا	پیرکرکان	کلات مالک	چاه شاهی	چاه دادخدا	کل
فراوانی	۳۳	۷۷	۸۷	۴۱	۴۶	۳۸	۶۳	۸۰	۴۶۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

نتایج تحقیق حاکی از آن است که از مجموع افراد مورد بررسی تنها ۲۳۷ نفر (۵۱/۷ درصد) زن بودند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که سن اعضای صندوق‌های مورد مطالعه در محدوده سنی ۱۳ تا ۷۲ سال متغیر بود (میانگین: ۳۱/۹۹۳، انحراف معیار ۱۰/۸۴ سال) و بیشتر افراد (۲۵۱ نفر) در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر از آن با ۵۴ درصد و کمترین آن‌ها (۸ نفر) در گروه سنی ۶۱ سال به بالا با ۱/۷ درصد قرار داشتند. به‌علاوه بر اساس درصد تجمعی (در حالت بدون دسته‌بندی گروه سنی) مشخص شد که ۶۹/۴ درصد از افراد کمتر از ۳۵ سال سن داشتند. علاوه‌براین، نتایج حاصل از تحقیق و مندرج در جدول (۴)، نشان می‌دهد که سواد ۳۲/۱ درصد از افراد مورد مطالعه دیپلم بوده و اکثریت جامعه آماری (۱۴۸ نفر) را به خود اختصاص داد و ۱۶/۷ درصد آن‌ها نیز دارای تحصیلات ابتدایی می‌باشند. هچنین ۱۲/۶ درصد دارای تحصیلات سیکل، ۲۶/۲ درصد نیز دارای تحصیلات دیپلم بوده و تنها ۱۲/۴ درصد (۵۷ نفر) از پاسخگویان دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر می‌باشند. علاوه‌بر این تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که مدت سکونت افراد مورد مطالعه نیز بین ۲ تا ۷۲ سال متغیر است (میانگین ۳۱/۱۴۴، انحراف معیار ۱۲/۲۴ سال).

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس ویژگی‌های فردی– حرفه‌ای در دهستان چاه دادخدا

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن	۲۳۷	۵۱/۷	۵۱/۷
مرد	۲۲۱	۴۸/۳	۱۰۰
کل	۴۶۵	۱۰۰	-
گروه‌های سنی(سال)	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۳۰ و کمتر	۲۵۱	۵۴/۰	۵۴/۰
۳۱ تا ۴۰	۱۳۳	۲۸/۶	۸۲/۶
۴۱ تا ۵۰	۴۹	۱۰/۵	۹۳/۱
۵۱ تا ۶۰	۲۴	۵/۲	۹۸/۳
۶۱ به بالا	۸	۱/۷	۱۰۰/۰
کل	۴۶۵	۱۰۰	
میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی سواد	۱۴۸	۳۲/۱	۳۲/۱
ابتدایی	۷۷	۱۶/۷	۴۸/۸
سیکل	۵۸	۱۲/۶	۶۱/۴
دیپلم	۱۲۱	۲۶/۲	۸۷/۶
فوق دیپلم و بالاتر	۵۷	۱۲/۴	۱۰۰
کل	۴۶۵	۱۰۰	

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

اولویت‌بندی ابعاد زیست‌پذیری افراد مورد مطالعه ضریب تغییرات[1]

نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد که از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "درآمد مشاغل موجود در روستا افزایش یافته است" و "فرصت‌های شغلی جدیدی در روستا ایجاد شده است"به ترتیب اولویت اول تا دوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تاثیر بیشتری در بعد اشتغال و درآمد زیست‌پذیری‌شان می‌باشند و در مقابل متغیرهای "امکان فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من ایجاد شده است" و "درآمد من از شغلم افزایش یافته است" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایینی قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها در اشتغال و درآمد زیست‌پذیری آن‌ها مؤثر می‌باشند. همچنین، در بعد مسکن زیست‌پذیری نیز متغیر " اطمینان خاطر من از زندگی در خانه‌ام افزایش یافته است" اولویت اول را داشت و دارای بیشترین اهمیت و تاثیر بود. در مقابل متغیرهای " تمایل دارم تعداد اتاق‌های منزل خود را افزایش دهم" و " تمایل دارم مساحت منزل خود را افزایش دهم " نیز اولویت چهارم و سوم را به خود اختصاص دادند و از اهمیت کمتری در بعد مسکن زیست‌پذیری برخوردار بودند(جدول، ۵).

طبق نتایج جدول۵، در بعد امکانات و خدمات زیرساختی زیست‌پذیری از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "کیفیت راه دسترسی به شهر بهبود پیدا کرده است"، "فرصت‌های شغلی جدیدی در روستا ایجاد شده است" و "میزان تولید محصولات زراعی و باغی در روستا افزایش یافته است" به ترتیب اولویت اول، دوم و سوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تأثیر بیشتری در بعد امکانات و خدمات زیرساختی زیست‌پذیری می‌باشند و در مقابل متغیرهای "امکان فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من ایجاد شده است" و "درآمد من از شغلم افزایش یافته است" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها موثر می‌باشند. در بعد مشارکت و همبستگی زیست‌پذیری از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "افزایش میزان مشارکت نوجوانان و جوانان در امور عمومی روستا" و "ارتقا روحیه کار گروهی در میان مردم روستا" به ترتیب اولویت اول و دوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تاثیر بیشتری در این بعد هستند و در مقابل متغیرهای "دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا" و "همفکری زنان مانند مردان در امور مهم روستا" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایینی قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها در مشارکت و همبستگی اهمیت دارند (جدول، ۵).

همچنین از نظر افراد مورد مطالعه متغیرهای "افزایش میزان تمایل جوانان به زندگی و کار در روستا" و "ترجیح می‌دهم محل کارم در روستا باشد" به ترتیب اولویت اول و دوم را به خود اختصاص دادند و نسبت به سایر متغیرها دارای تاثیر بیشتری در بعد پیوستگی و تعلق مکانی زیست‌پذیری می‌باشند و در مقابل متغیرهای "افزایش توجه و حساسیت مردم نسبت به حفظ منابع آب و خاک و محیط زیست روستا" و "این روستا را مناسب‌ترین مکان برای زندگی خود در منطقه می‌دانم". نیز به ترتیب در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند و به میزان کمتری نسبت به سایر گویه‌ها در بعد پیوستگی و تعلق

[1] .Cofficient Variation

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

مکانی زیست‌پذیری دارای اهمیت هستند (جدول، ۵). به‌علاوه، در بعد کیفیت محیطی زیست‌پذیری نیز از نظر افراد مورد بررسی متغیرهای "کاهش میزان وقوع سیلاب در روستا و زمین‌های اطراف" و " بهبود وضعیت بهداشت محیط در روستا (دفع زباله، آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های کارگاهی و مانند این‌ها)" به ترتیب اولویت اول و دوم را داشتند و نسبت به سایر متغیرها دارای تاثیر بیشتری در این بعد می‌باشند و در مقابل متغیرهای " دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا افزایش میزان آبدهی منابع آب سطحی و زیرزمینی روستا" و "کاهش میزان تخریب آثار فرهنگی روستا، آثار تاریخی، مذهبی و ... در روستا" نیز به ترتیب در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند و نسبت به سایر گویه‌ها دارای اهمیت کمتری در این بعد می‌باشند (جدول، ۵).

جدول ۵. اولویت‌بندی ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی چاه دادخدا برحسب ضریب تغییرات

ابعاد	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت
اشتغال و درآمد	در آمد مشاغل موجود در روستا افزایش یافته است	۳/۲۱	۰/۹۶	۰/۳۰	۱
	فرصت های شغلی جدیدی در روستا ایجاد شده است	۳/۲۰	۱/۰۲	۰/۳۲	۲
	میزان تولید محصولات زراعی و باغی در روستا افزایش یافته است	۲/۸۷	۱/۰۷	۰/۳۷	۳
	افزایش میزان سرمایه گذاری افراد خارج از روستا در فعالیت های اقتصادی مختلف روستا (کشاورزی، صنعت، گردشگری و ..)	۳/۰۴	۱/۳۴	۰/۴۴	۴
	درآمد من از شغلم افزایش یافته است	۲/۶۹	۱/۴۳	۰/۵۳	۵
	ایجاد امکان فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من	۳/۱۳	۲/۱۱	۰/۶۷	۶
مسکن	اطمینان خاطر من از زندگی در خانه ام افزایش یافته است	۳/۰۸	۰/۹۸	۰/۳۲	۱
	تمایل دارم که سیستم گرمایش و سرمایش منزل خود را ارتقا دهم	۳/۲۳	۱/۵۶	۰/۳۲	۲
	تمایل دارم مساحت منزل خود را افزایش دهم	۳/۱۶	۱/۰۴	۰/۴۹	۳
	تمایل دارم تعداد اتاق های منزل خود را افزایش دهم	۳/۲۴	۱/۹۰	۰/۵۹	۴
امکانات و خدمات زیرساختی	کیفیت راه دسترسی به شهر بهبود پیدا کرده است	۳/۱۵	۰/۹۸	۰/۳۱	۱
	کیفیت راه دسترسی به روستاهای اطراف بهبود پیدا کرده است	۳/۲۶	۱/۰۵	۰/۳۲	۲
	میزان قطع برق در روستا کاهش یافته است	۲/۷۹	۱/۰۷	۰/۳۸	۳
	میزان قطع و اختلال در شبکه تلفن همراه در روستا کاهش یافته است.	۲/۷۲	۱/۰۸	۰/۴۰	۴
	کیفیت آب شرب روستا بهبود یافته است	۳/۴۴	۱/۷۸	۰/۵۲	۵
	کیفیت معابر و میادین روستا بهبود یافته است	۳/۰۸	۱/۶۷	۰/۵۴	۶
مشارکت و همبستگی	افزایش میزان مشارکت نوجوانان و جوانان در امور عمومی روستا	۳/۴۶	۰/۹۳	۰/۲۷	۱
	ارتقا روحیه کار گروهی در میان مردم روستا	۳/۶۱	۱/۰۹	۰/۳۰	۲
	بهتر شدن ارتباط مردم روستا با اعضای شورای اسلامی	۳/۳۲	۱/۰۹	۰/۳۳	۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

	و دهیار				
	هنگام اجرای یک پروژه عمرانی، مردم روستا به خودیاری و ارایه کمک‌های مالی اقدام می‌کنند.	۳/۰۶	۱/۱۸	۰/۳۹	۴
	همفکری زنان مانند مردان در امور مهم روستا	۳/۰۱	۱/۵۲	۰/۵۰	۵
	دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا	۳/۱۹	۱/۷۳	۰/۵۴	۶
پیوستگی و تعلق مکانی	افزایش میزان تمایل جوانان به زندگی و کار در روستا	۳/۴۰	۰/۹۶	۰/۲۸	۱
	ترجیح می‌دهم محل کارم در روستا باشد.	۳/۴۵	۱/۰۰	۰/۲۹	۲
	ترجیح می‌دهم به جای شهر، اوقات فراغت خود را در روستا بگذرانم	۳/۳۲	۱/۹۶	۰/۲۹	۳
	امیدوار به بهبود شرایط زندگی و توسعه و آبادانی روستا هستم	۳/۴۶	۱/۰۰	۰/۲۹	۴
	افزایش علاقه و دلبستگی من به زندگی در روستا	۳/۲۷	۱/۰۲	۰/۳۱	۵
	در صورت داشتن توان سرمایه گذاری، در روستا سرمایه-گذاری خواهم نمود	۳/۴۴	۱/۱۲	۰/۳۲	۶
	در صورت وجود شرایط کار و زندگی در شهر باز هم ترجیح می‌دهم در روستا زندگی کنم.	۳/۳۲	۱/۰۵	۰/۳۲	۷
	این روستا را مناسب‌ترین مکان برای زندگی خود در منطقه می‌دانم.	۳/۹۰	۲/۱۸	۰/۵۶	۸
	افزایش توجه و حساسیت مردم نسبت به حفظ منابع آب و خاک و محیط زیست روستا	۳/۵۹	۲/۲۰	۰/۶۱	۹
کیفیت محیط	کاهش میزان وقوع سیلاب در روستا و زمین‌های اطراف	۲/۹۵	۰/۹۳	۰/۳۱	۱
	بهبود وضعیت بهداشت محیط در روستا	۳/۳۷	۱/۰۶	۰/۳۱	۲
	کاهش میزان آلودگی ناشی از وقوع سیلاب در روستا	۲/۸۶	۰/۹۸	۰/۳۴	۳
	بهبود چشم انداز طبیعی روستا	۲/۶۵	۱/۰۴	۰/۳۹	۴
	افزایش وسعت پوشش گیاهی روستا و اطراف آن	۲/۴۵	۱/۰۶	۰/۴۳	۵
	کاهش میزان تخریب آثار فرهنگی روستا	۳/۰۲	۱/۳۲	۰/۴۴	۶
	افزایش میزان آبدهی منابع آب سطحی و زیرزمینی روستا	۲/۶۱	۱/۲۳	۰/۴۷	۷

بسیارکم= ۱ کم= ۲ متوسط= ۳ زیاد= ۴ بسیارزیاد= ۵ منبع: یافته‌های پژوهش،

تحلیل اهمیت مؤلفه‌های مؤثر در زیست‌پذیری اعضای مورد مطالعه

در ادامه به منظور بررسی اعتبار سازه‌ای پرسشنامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به سازه "ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی دهستان چاه دادخدا"، داده‌های گردآوری شده به کمک نرم افزار لیزرل و با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این روش در پی آن است که تعیین کند؛ آیا تعداد عامل‌های اندازه‌گیری شده با آن چه بر اساس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت، انطباق دارد. به عبارت دیگر، به آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین متغیرهای تشکیل-دهنده و سازه تجربی تحقیق می‌پردازد. در این مرحله برای ارزیابی نقش شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی از روش تحلیل عاملی مرتبه‌ی دوم استفاده شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

دلیل استفاده از تحلیل عاملی مرتبه‌ی دوم به نوع اثرات علی در مدل انتزاعی تحقیق مربوط می‌شود. در مدل طراحی شده می‌توان دید که ساختارهای عاملی شش‌گانه، یک ساختار عاملی مجزا را در سطح دوم تشکیل می‌دهند. براساس مدل تحقیق، این مدل در نرم افزار لیزرل پیاده‌سازی شده و مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم قابل قبولی اجرا و به دست آمد. براساس نتایج به‌دست آمده در جدول (۶)، مقادیر t به دست آمده برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه از ۱/۹۶ بزرگتر بوده و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنی‌دار شده است. به عبارت دیگر، یافته‌های این بخش نشان‌می‌دهد که تمامی نشانگرهای انتخابی برای سنجش ابعاد زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های خرد روستایی دهستان چاه دادخدا از دقت لازم و کافی برخوردار بوده‌اند؛ از این رو می‌توان بیان کرد که شاخص‌های استفاده شده، با زیربنای نظری تحقیق تطابق قابل قبولی را نشان می‌دهند.

جدول ۶. بارهای عاملی نشانگرها و سازه‌های زیست‌پذیری (VIAB) اعضای صندوق‌های خرد روستایی در قالب مدل اندازه‌گیری

سازه	نماد در مدل	متغیرها	بار عاملی	T-Value
اشتغال و درآمد EMPL	E1	افزایش در آمد مشاغل موجود در روستا	۰/۸۴	-
	E2	ایجاد فرصت‌های شغلی جدیدی در روستا	۰/۸۰	۲۰/۷۳
	E3	افزایش میزان تولید محصولات زراعی و باغی در روستا	۰/۹۰	۲۰/۳۳
	E4	افزایش میزان سرمایه‌گذاری افراد خارج از روستا در فعالیت‌های اقتصادی مختلف روستا (کشاورزی، صنعت، گردشگری و ..)	۰/۸۶	۳۳/۳۷
	E5	افزایش درآمد من از شغلم	۰/۷۹	۲۰/۲۶
	E6	امکان ایجاد فعالیت در شغل مناسب در روستا برای من	۰/۵۵	۱۲/۴۵
مسکن HOUS	M1	افزایش اطمینان خاطر من از زندگی در خانه ام	۰/۴۳	-
	M2	تمایل به ارتقا که سیستم گرمایش و سرمایش منزل خود	۰/۷۷	۸/۸۷
	M3	تمایل به افزایش مساحت منزل خود	۰/۳۷	۶/۱۷
	M4	تمایل به افزایش تعداد اتاق‌های منزل خود	۰/۹۰	۸/۷۴
امکانات و خدمات زیرساختی SUST	Z1	بهبود کیفیت راه دسترسی به شهر	۰/۷۵	-
	Z2	بهبود کیفیت راه دسترسی به روستاهای اطراف	۰/۷۶	۱۶/۶۸
	Z3	کاهش میزان قطع برق در روستا	۰/۲۲	۴/۶۶
	Z4	کاهش میزان قطع و اختلال در شبکه تلفن همراه در روستا	۰/۷۹	۱۷/۵۰
	Z5	بهبود کیفیت آب شرب روستا	۰/۸۹	۱۹/۹۰
	Z6	بهبود کیفیت معابر و میادین روستا بهبود	۰/۷۳	۱۵/۹۴
مشارکت و همبستگی RECO	MO1	افزایش میزان مشارکت نوجوانان و جوانان در امور عمومی روستا	۰/۶۹	-
	MO2	ارتقا روحیه کار گروهی در میان مردم روستا	۰/۶۱	۱۲/۲۴
	MO3	بهتر شدن ارتباط مردم روستا با اعضای شورای اسلامی و دهیار	۰/۷۵	۱۴/۹۳
	MO4	هنگام اجرای یک پروژه عمرانی، مردم روستا به خودیاری و ارایه کمک‌های مالی اقدام می‌کنند.	۰/۸۳	۱۶/۴۴
	MO5	همفکری زنان مانند مردان در امور مهم روستا	۰/۸۳	۱۶/۴۶
	MO6	دلسوزی بیشتر اهالی برای آبادانی روستا	۰/۶۸	۱۳/۵۷
پیوستگی و تعلق مکانی	P1	افزایش میزان تمایل جوانان به زندگی و کار در روستا	۰/۷۲	-
	P2	ترجیح محل کار در روستایی.	۰/۷۲	۱۴/۹۹

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

COLO	P3	ترجیح به گذراندن اوقات فراغت خود در روستا به جای شهر	۰/۷۷	۱۶/۲۰
	P4	امیدوار به بهبود شرایط زندگی و توسعه و آبادانی روستا	۰/۶۹	۱۴/۴۲
	P5	افزایش علاقه و دلبستگی من به زندگی در روستا	۰/۸۳	۱۷/۵۳
	P6	در صورت داشتن توان سرمایه گذاری، در روستا سرمایه‌گذاری کردن	۰/۷۴	۱۵/۵۱
	P7	در صورت وجود شرایط کار و زندگی در شهر، باز هم ترجیح به زندگی در روستا	۰/۸۳	۱۷/۳۸
	P8	این روستا را مناسب‌ترین مکان برای زندگی خود در منطقه می‌دانم.	۰/۸۱	۱۶/۹۶
	P9	افزایش توجه و حساسیت مردم نسبت به حفظ منابع آب و خاک و محیط زیست روستا	۰/۷۰	۱۴/۶۰
کیفیت محیطی QUEN	K1	کاهش میزان وقوع سیلاب در روستا و زمین‌های اطراف	۰/۸۹	-
	K2	بهبود وضعیت بهداشت محیط در روستا (دفع زباله، آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های کارگاهی و..)	۰/۸۰	۲۵/۹۰
	K3	کاهش میزان آلودگی ناشی از وقوع سیلاب در روستا	۰/۸۷	۲۷/۰۵
	K4	بهبود چشم انداز طبیعی روستا	۰/۷۶	۲۱/۱۲
	K5	افزایش وسعت پوشش گیاهی در روستا و اطراف آن	۰/۸۱	۲۳/۶۰
	K6	کاهش میزان تخریب آثار فرهنگی روستا (آثار تاریخی، مذهبی و ...) در روستا	۰/۸۴	۲۵/۳۳
	K7	افزایش میزان آبدهی منابع آب سطحی و زیرزمینی روستا	۰/۸۸	۲۷/۶۲

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷)

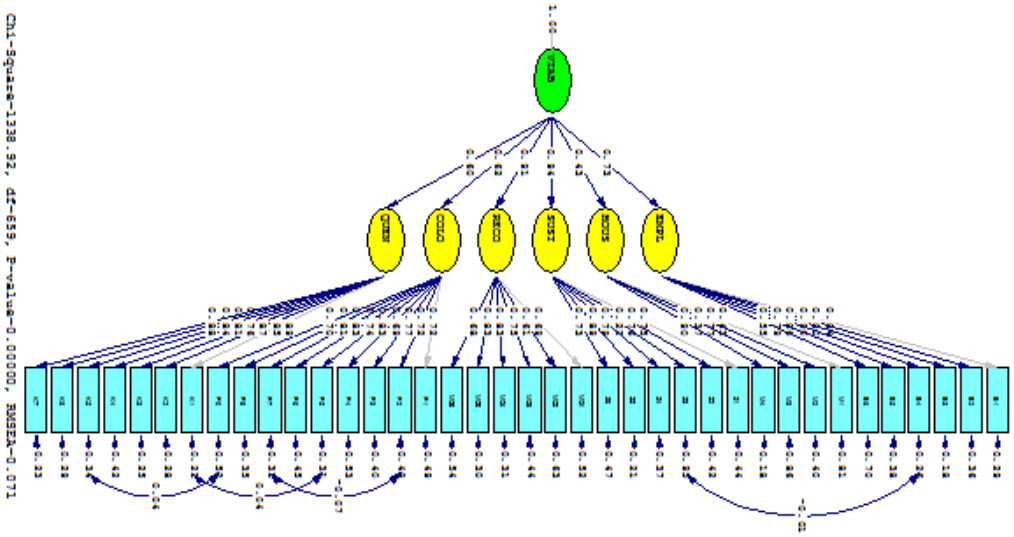

شکل ۳. ضرایب استاندارد مدل اندازه‌گیری مؤلفه‌های زیست‌پذیری در حالت استاندارد

همچنین با توجه به شاخص‌های برازندگی که در جدول (۷) نشان داده شده است، می‌توان بیان کرد که مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی دهستان چاه دادخدا (شکل، ۳)، به منظور برازش روابط بین شاخص‌ها و نشانگرهای مربوط به آن‌ها معتبر و قابل قبول است.

جدول ۷. شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی

شاخص	$x\ 2/df$	NFI	NNFI	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
معیار پیشنهاد شده	≤ ۳	≤ ۰/۹۰	≤ ۰/۹۰	≤ ۰/۹۰	≤ ۰/۹۰	≤ ۰/۹۰	≤ ۰/۰۸
مقدار گزارش شده	۲/۰۳۱	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۰۷۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۷، یکی از شاخص‌های برازش مدل، شاخص میانگین ریشه مجذورات (RMSEA) می‌باشد. معیار پیشنهاد شده برای این شاخص کوچکتر یا مساوی ۰/۰۸ است. در مدل حاضر این شاخص برابر با ۰/۰۷۱ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل مورد مطالعه با داده-های مشاهده شده است. شاخص دیگر، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازندگی تعدیل یافته (AGFI) است. این شاخص‌ها هر چه به عدد یک نزدیکتر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است که در اینجا مقدار آن به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۱ است. همچنین نسبت خی دو به درجه آزادی (۲/۰۳۱= χ^2/df) نیز کمتر از ۳ است که نشان‌دهنده برازش عالی مدل اندازه‌گیری پژوهش با داده‌های مشاهده شده است. سایر شاخص‌های برازش نیز برازش مناسب و عالی مدل را نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که برازش کلی مدل اندازه‌گیری در وضعیت مطلوب قرار داشته و با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد. به عبارت دیگر کیفیت برازش کلی مدل اندازه‌گیری مطلوب سنجیده می-شود. همان‌طور که مدل برازش‌شده در شکل ۴ و جدول (۶) نشان می‌دهد؛ قسمت معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی دهستان چاه دادخدا را نشان می‌دهد. چنانچه عدد معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد رابطه موجود در مدل پژوهش معنادار خواهد بود. شکل ۳، نشان می‌دهد کلیه روابط معنادار می‌باشند و تمامی فرضیات تایید می‌شوند. بر این اساس می‌توان گفت مولفه‌های زیست‌پذیری بخش قابل‌توجهی از سازه زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی موردمطالعه را تبیین می‌نمایند و به ترتیب اولویت‌های اول تا ششم را در تبیین این سازه به خود اختصاص داده‌اند.

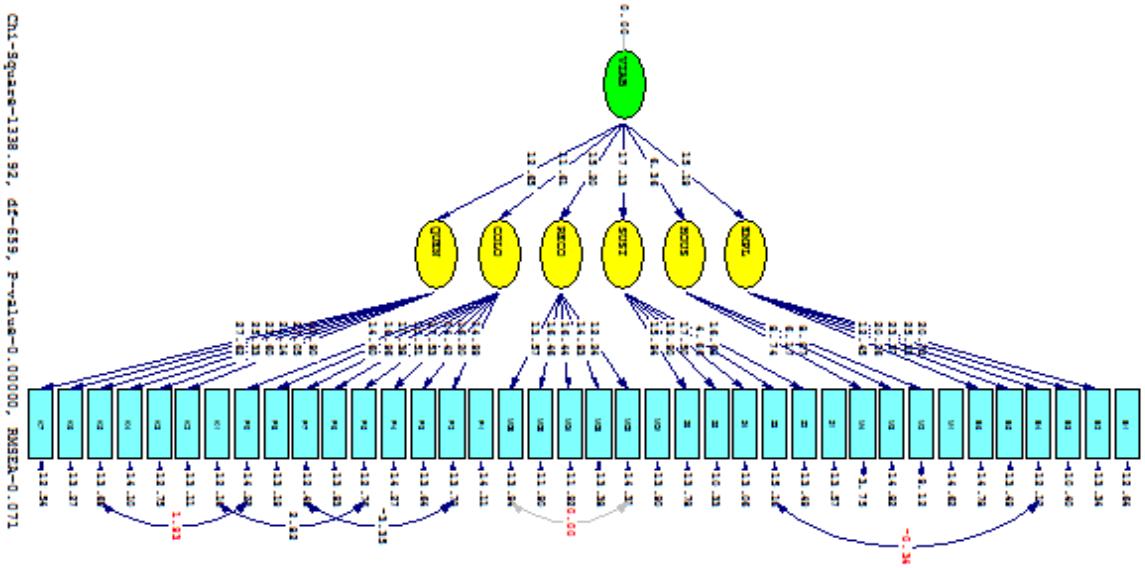

شکل ۴. مدل اندازه‌گیری مؤلفه‌های زیست‌پذیری در حالت معنی‌داری

در جدول(۸)، رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه‌ی اول در تشکیل سازه‌ی مرتبه‌ی دوم، همراه با مقدار t و بارهای عاملی هر یک از سازه‌ها (مقادیر ضریب گاما) نشان داده شده است. مقادیر ضریب گاما می-توانند شدت رابطه‌ی بین عامل‌های مرتبه‌ی اول و عامل مرتبه‌ی دوم را نشان دهند. در این تحقیق براساس داده‌های میدانی در میان شش شاخص بررسی شده، عامل مشارکت و همبستگی (λ=۰/۹۴) به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

عنوان قوی‌ترین شاخص مرتبط با زیست‌پذیری اعضای صندوق اعتبارات خرد روستایی دهستان چاه دادخدا شناسایی شده است. سایر شاخص‌های زیست‌پذیری نیز به ترتیب اهمیت و میزان ضریب تأثیر عبارتند از: اشتغال و درآمد، پیوستگی و تعلق مکانی، کیفیت محیطی، امکانات و خدمات زیرساختی و در نهایت وضعیت مسکن.

جدول ۸. رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه اول در تشکیل سازه‌ی مرتبه دوم زیست‌پذیری (VIAB) براساس بارعاملی

رتبه	شاخص‌های مرتبه اول	نماد در مدل	λ	T-value	sig
۱	مشارکت و همبستگی	RECO	۰/۹۴	۷/۸۷	۰/۰۱
۲	اشتغال و درآمد	EMPL	۰/۹۱	۷/۵۷	۰/۰۱
۳	پیوستگی و تعلق مکانی	COLO	۰/۷۴	۷/۱۰	۰/۰۱
۴	کیفیت محیطی	QUEN	۰/۶۳	۳/۴۲	۰/۰۱
۵	امکانات و خدمات زیرساختی	SUST	۰/۴۳	۲/۸۷	۰/۰۱
۶	مسکن	HOUS	۰/۴۰	۳/۹۲	۰/۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

۵) نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه شده باید گفت که در دهه‌های أخیر، صندوق‌های اعتبار خرد روستایی در کشورهای در حال‌توسعه تنها به تأمین مالی و تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های روستاییان محدود نبوده، بلکه اثرگذار در ابعاد مختلف زندگی روستاییان است به این ترتیب مردان و به ویژه زنان آسیب‌پذیر روستایی به دلایلی چند از عمده گروه‌های هدف و نخستین افرادی می‌باشند که به این‌گونه اعتبارات گرایش دارند. در این میان آن‌ها از دسترسی به هرگونه امکانات محروم بوده و به دلایل فرهنگی و اجتماعی، فعالیت‌های آن‌ها محدود به خانه و روستا شده و هم‌چنین از ضریب اطمینان اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردارند؛ با وجود این همه محدودیت‌ها و چالش‌ها زنان بسیار فقیر افرادی با برنامه برای ارتقای وضعیت فرزندان و خانواده و بهبود کیفیت زندگی بوده و از آمادگی بیشتری برای اشتغال در مشاغل خانگی و کسب درآمد برخوردارند.

از سویی زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می شود بسیار گسترده و یا محدود باشد. از این‌رو، غفلت از مقولاتی همچون مشارکت و همبستگی، پیوستگی و تعلق مکانی روستاییان می‌تواند در عدم تحول و تحقق توسعهٔ پایدار و تربیت نیروهای انسانی و به کارگیری صحیح توانمندی‌های بالقوهٔ آنها در تشکل‌های مختلف به ویژه صندوق اعتبارات خرد روستایی نقش مؤثری داشته باشد. بدین سبب مسئولین و دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه روستایی و بهبود زیست‌پذیری‌شان باید توجه خاصی به پروش روستاییان خلاق، پاسخگو و دارای شبکه اجتماعی منسجم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

باشند، چرا که داشتن نیروی انسانی کارآمد، انعطاف‌پذیر و پاسخگو می‌تواند منافع بسیار زیادی را برای جامعه روستایی بدنبال داشته باشد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که برازش کلی مدل اندازه‌گیری زیست‌پذیری در وضعیت مطلوب قرار داشته و با داده‌های مورداستفاده سازگاری دارد؛ به عبارت‌دیگر برازش کلی مدل اندازه‌گیری تحقیق مطلوب سنجیده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه شد نتایج تحقیق نشان داد که براساس مقادیر شاخص‌های تحلیل عاملی تاییدی به‌دست آمده از داده‌های میدانی در میان شاخص‌های بررسی‌شده، عامل "مشارکت و همبستگی" ۰/۹۴ به‌عنوان قوی‌ترین شاخص مرتبط با زیست‌پذیری اعضای مورد مطالعه شناسایی شده است. بر این اساس می‌توان گفت فرهنگ مشارکت و همبستگی عاملی زیربنایی و حتی پایه و اساس سایر بسترهای ضروری برای توسعه‌ی زیست‌پذیری است که می‌تواند به واسطه‌ی انعطاف‌پذیری و درگیرکردن تمامی اعضا در تصمیم‌گیری‌های گروهی، بهبود قابلیت‌ها و توانمندسازی اعضا، اعتمادسازی و تسهیل ارتباطات فردی و گروهی و ایجاد انسجام بیشتر میان اعضای صندوق‌های خرد روستایی، نقشی اساسی در القا و تقویت روحیه‌ی نوآوری، خلاقیت و ریسک‌پذیری ایفا کند و موجب ایجاد رفتارهای کارآفرینانه در اعضا شود؛ به نحوی که تمامی اعضا کارآفرینی و حرکت به سوی آن را یکی از ارزش‌های بنیادی صندوق اعتبار خرد در نظر بگیرند و رفتارهای خود را در راستای آن تنظیم کنند و انطباق‌دهند. این یافته با نتایج تحقیق محققان ذکر شده در گذشته همخوانی دارد. محققانی چون Omuta (1988)، Lau Leby et al (2010)، رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، جمعه‌پور (1392)، بندرآباد (1390)، خراسانی (1391) و رستمعلی‌زاده و سلیانی (۱۳۹۰) و Holt-Jensen (2001)/ American Institute of Architects (2005) نیز در مطالعات خود بر اهمیت این مولفه (مشارکت و همبستگی) در تشکیل ابعاد زیست‌پذیری تأکید زیادی داشتند.

با در نظرگرفتن نتایج تحقیق و اهمیت عامل مشارکت و همبستگی و عامل اشتغال و درآمد پیشنهاد می‌شود در این زمینه، توجه به مواردی نظیر خصیصه مثبت پذیرش ریسک، قبول شکست و اشتباه اعضا به مثابه‌ی مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر در فرایند نوآوری، پشتیبانی از ایده‌های جدید اعضا، فعال و پویا و تشویق آنها به ایده‌پردازی و ارائه فکرهای نو، بستر لازم را برای توسعه‌ی کارآفرینی دراعضای صندوق اعتبار خرد ایجاد می‌کند. همچنین توصیه می‌شود برای بهبود و ایجاد و تقویت مهارت‌های کارآفرینانه در اعضا، دوره-های آموزش کارآفرینی به صورت مستمر برای آنان برگزار شود و سازوکارهای تشویقی مناسب برای ترغیب اعضا به شرکت در این دوره‌ها به کار گرفته شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد عامل اشتغال و درآمد با ضریب مسیر ۰/۹۱ درصد دومین سازه‌ی موثر در زیست‌پذیری می‌باشد. با نتایج تحقیق رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، رستمعلی و سلیانی (۱۳۹۰)،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

Omuta (1988) و Lau Leby et al (2010) تطابق داشت. بنابراین حمایت در تشویق زنان، دختران و مردان روستایی به توسعه مشاغل و کارآفرینی؛ سبب می‌شود که با انگیزه‌ی بیشتری به کسب و کار بپردازند. مؤلفه‌ی پیوستگی و تعلق مکانی با ضریب مسیر ۰/۷۴ بخشی از سازه مؤلفه‌های زیست‌پذیری اعضای صندوق‌های اعتبار خرد روستایی را تبیین می‌نمایند و به ترتیب اولویت و اهمیت سوم را در تبیین این سازه به خود اختصاص داده‌اند. پژوهش‌های American Institute of Architects (2005)، Victoria & Efiiciency (2008) و رستمعلی و سلیانی (۱۳۹۰) نیز به اهمیت این شاخص در زیست‌پذیری دست یافتند. از لحاظ بعد کیفیت محیطی، نیز با ضریب مسیر ۰/۶۳ در اولویت و اهمیت چهارم قرار گرفت. با نتایج Wheeler (2001)/ American Institute of Architects (2005)/ Victoria & Efiiciency (2008)/ Holt-Jensen (2001)/ Balsas (2004)/ که به اهمیت این بعد در زیست‌پذیری دست یافتند همسو است. در بعد امکانات و خدمات زیرساختی نیز با ضریب ۰/۴۳ درصد در اهمیت بعدی (پنجم) قرار گرفت. یافته‌های Brittne, 2009), Vancouver Municipality (2004)، رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، جمعه‌پور (1392)، علیرضا بندرآباد (1390)، خراسانی (1391) و رستمعلی و سلیانی (۱۳۹۰) در تحقیق خود آن را تأیید کردند. در نهایت وضعیت مسکن با ضریب ۰/۴۰ درصد در اولویت ششم قرار گرفت که با نتایج پژوهش ویسر و همکاران (Visser et al., 2005) و اوماتا (Omuta, 1988) همسو است. به هر حال، همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد، صندوق اعتبارات خردی که قصد دارد کارآفرین باشد باید ساختاری پایین به بالا، ارتباطات سازمانی شفاف، مبتنی بر انجام گروهی فعالیت‌ها و انعطاف‌پذیر داشته باشد.

براساس نتایج پژوهش، به منظور ایجاد و گسترش زمینه‌هایی برای فعالیت در صندوق اعتبارات خرد روستایی با توجه به شرایط و فرهنگ جوامع روستایی موردمطالعه پیشنهاداتی در ذیل ارائه شده است:

- تدوین برنامه‌های آموزشی در دهستان با هدف ایجاد تحول در باورهای فرهنگی خانواده‌ها و جامعه‌ی روستایی نسبت به توانمندی زنان و مردان در فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی و گروهی و هم‌افزایی‌شان در راستای ارتقای زیست‌پذیری خود؛
- آگاهی و ارائه آموزش در حمایت از زنان و مردان شاغل و دارای صندوق‌های اعتبار خرد روستایی در خانواده و جامعه روستایی به منظور تقویت روحیه‌ی مشارکت و پیوستگی آنان در گروه‌های اجتماعی و افزایش حس اعتماد و همکاری آنان در دهستان؛
- اختصاص و ارائه تسهیلاتی از صندوق‌های اعتباری خرد در راستای ایجاد و توسعه مولفه‌هایی چون کیفیت زندگی، امکانات زیرساختی و بهبود مسکن روستاییان مورد مطالعه؛ و
- شناسایی و معرفی افراد موفق به عنوان الگوی نقش و به کارگیری تجارب آنان و راهبردهای نوین در راستای تقویت و توسعه مشاغل و همچنین صندوق اعتبارات خرد روستایی به منظور بهبود وضعیت زیست‌پذیری روستاییان مورد مطالعه.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

تشکر و قدردانی

این مقاله با حمایت مالی پر شده توان افزایی جوامع محلی که توسط بنیاد علوی به نمایندگی از بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و با همکاری دانشگاه تهران به اجرا رسیده و تدوین گردیده است.

۶) منابع

- آسایش، حسین، (۱۳۸۶). **برنامه ریزی روستایی ایران.** چاپ هفتم، دانشگاه پیام نور، تهران، صص : ۱۲۵.
- برزو، غلامرضا، شاه‌حسینی، ایوب، عباسی‌زاده‌قنواتی، محمدصادق، ولی‌زاده، اقدس، باقرنسب، محمد، بهرامی، مجید، (۱۳۸۹). **ارزشیابی کیفی طرح هادی در روستای کرناچی شهرستان کرمانشاه :کاربرد نظریه بنیانی.** فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۳، صص: ۱۵۳-۱۶۹.
- بندرآباد، علیرضا، (۱۳۹۰). **شهر زیست‌پذیر.** جستارهای شهرسازی. تابستان و پاییز .شماره ۳.
- جمعه‌پور، محمود و تهرانی، شهرزاد، (۱۳۹۲). **تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری. (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان شهریار).** فصل نامه برنامه‌ریزی کالبدی فضایی، شماره سوم، ۴۹ -۶۰.
- حکیم دوست، یاسر، مرادی، محمود، رستمی، شاهبختی، نظری، عبدالحمید.(۱۳۹۷). **تحلیل فضایی زیست پذیری در روستاهای مرزی هیرمند،** فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره چهارم، ص۱۰۱-۱۲۶
- خراسانی، محمدامین، مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن و رفیعیان، مجتبی، (۱۳۹۱). **سنجش و ارزیابی زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی :شهرستان ورامین).** نشریه پژوهش‌های روستایی، سال سوم؛ شماره چهارم، زمستان، صص ۸۵-۱۱۰.
- رستعملی‌زاده، ولی‌اله و سلیانی، مسعود، (۱۳۹۰). **زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی.** مجله توسعه روستایی. دور سوم .شماره ۱۶۵-۱۸۶.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۷). **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران،** انتشارات قومس، چاپ دوم، تهران، صص :۱۵۱.
- رضوانی، محمدرضا، متکان، علی‌اکبر، منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین، (۱۳۸۸). **توسعه و سنجش شاخص فصلنامه شاخص‌های کیفیت زندگی (مطالعه موردی :شهر نورآباد، استان لرستان).** مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، اصفهان، صص ۱۱۰-۸۷.
- ساسان‌پور، فرزانه، تولایی، سیمین و جعفری‌اسدآبادی، حمزه، (۱۳۹۴). **سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری شهری در مناطق بیست و دوگانه کلان‌شهر تهران.** فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال۵، شماره ۱۸، صص ۴۲-۲۷، ۱۳۹۳.
- شاطریان، محسن، اشنویی، امین و گنجی‌پور، محمود، (۱۳۹۱). **سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت قدیم شهر آران و بیدگل از شاخص‌های کیفیت زندگی.** مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان.
- عزیزپور، فرهاد، و حسینی‌حاصل، صدیقه، (۱۳۸۷). **مروری بر روند تحولات کالبدی روستاهای کشور با تاکید بر طرح هادی روستایی.** مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۳، سال بیس و هفتم، صص:۴۲ –۵۵.
- علی‌اکبری، اسماعیل و اکبری، مجید، (۱۳۹۵). **مدل‌سازی ساختاری- تفسیری عوامل موثر بر زیست-پذیری کلان شهر تهران.** برنامه‌ریزی و آمایش فضا. دوره ۲۱ بهار ۱۳۹۶ شماره ۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

- مطیعی لنگرودی سیدحسن و یاری، ارسطو، (۱۳۸۹). **حفاظت محیط زیست و برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی روستا با تاکید بر ارزیابی طرح‌های هادی.** فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. سال ۲۱، شماره ۳، صص. ۴۵-۶۰.
- American Institute of Architects (2010). **"the Road to Livability: How State Departments of Transportation are Using Road Investments to Improve Community Livability**". AASHTO, 2010.
- American Institute of Architects (AIA). (2005). "**What Makes a Community Livable**?", No 101, pp 10-11, 2005.
- Balsas, C.J.L., (2004). **"Measuring the Livability of an Urban Centre: An Exploratory Study of Key Performance Indicators.** Planning, Practice and Research. 19(1): pp. 101–110, 2004.
- Brittne, N.; Gu. Terri., (2009). **"going from good to great: A Livable Communiies Survey in Westchester County in New York".** AARP, 2009.
- Cities plus (2003) **"A sustainable urban system**". the long term plan for greater Vancouver, Canada, cities plus.
- Cobb. C. (2000). **Measuring Quality of life. 2000, the new politice of work family: and commity**. David Callahan and Stephen. B. Heintz. Eds.
- Epley, D.; Menon, M. (2008). **A method of assembling cross- sectional indicators into a community quality of life.** Social indicators research, 88(2), Pp: 281- 296 .
- Gibson, K., Cahill, A. and Mckay, D., (2010). **Rethinking the dynamics of rural transformation: performing different development pathways in a Philippine municipality**. Journal of Transactions of the Institute of British Geographers. No 35. Vol 11. Pp: 237- 255.
- Heylen, K., (2006). "**Liveability in Social Housing: Three Case studies in Flanders**".
- Holt, J. A., (2001). **"Individual Relational Space in Deprived Urban Neighbourhoods"**. Paper Presented at ENHR conference, 25_29 June, 2001, Pultusk, Poland. http://www.nhh.no/geo/NEHOM/publications/ENHR%20Warsawa%202001 .pdf (accessed on 5 July 2006).
- http://www.fa.wikipedia.org/wiki/ مزلو_آبراهام visited at 25 March 2012.
- Inglehart, R., (1990). **"Culture Shift in Advanced Industrial Society"**. Princeton NJ: Princeton University Press.
- Kennedy, RJ, Buys, L. (2010). **Dimension of liveability: A tool for sustainable cities**. In Proceedings of SB12mad Sustainable Building Conference.
- Kotkin, J., (2001). **"The New Geography: How the Digital Revolution in Reshaping the American Landscape"**. NY: Random House Paper Backs.
- Lau, L., Jasmine & Hashim, Ahmad, H., (2010). **"Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighbourhood Residents".** Journal of Construction in Developing Countries, Vol. 15(1), 67–91.
- Leby, J. L. & Hashim, A. H., (2010). **"Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighborhood Residents".** Journal of Construction in Developing Countries, 12 (1), 76–31.
- NDRII., Natural Disaster Reserch Institute of Iran. (2007). **Principles and Criterions and Critercons for place making and designing of new Rural Areas**.
- Omuta, G.E.D., (1988). **"The Quality of Urban Life and the Perception of Livability: A Case study of Neighbourhoods in Benin City, Nigeria"**. Social Indicators Research, 20(4): 417–440.
- Perogordo Madrid, Daniel (2007). **The Silesia Megapolis, European Spatial Planning**, 2007.
- Radcliff, B., (2001). **"Politics, Markets and Life Satisfaction: The Political Economy of Human Happiness"**. American Political Science Review**,** Vol 95, No 4, pp 939-955.
- Smith, K. (2003). **Environmental Hazards**. Ebrahimmoghimi and 39-ShapourGudarzinejad. Tehran: Samt Publications, Pp: 35.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]

- Song yang. (2011). **A livable city study in china: using structural Equation models**. thesis submitted in statistics, department of statistics Uppsala university.
- Vancouver, M., (2004). **"City of Vancouver Community Assessment Survey"**. Executive Summary, 2004.
- Victorian, C.; Efiiciency, C., (2008). **"A State of Liveability: An in Inquiry in to enhancing Victoria's Liveability"**. Final Report. p. 10, 2008.
- Visser, P., Van Dam, F. and Hooimeijer, P., (2005). **"The influence of Neighbourhood Characteristics on Geographical Differences in House Prices in the Netherlands"**. Paper Presented at European Network for Housing Research (ENHR) International Housing Conference, 29 June–3 July 2005, Reykjavik, Iceland. http://www.borg.hi.is/enhr2005iceland/index. Php? Option=content&task=view&id=14&Itemid=37 (accessed 2 September 2006).
- Wheeler, M, (2001). "**Planning Sustainable and livability Cities",** Stephen, 2001.
- World Bank, (2008) **World Development Report 2008: Agriculture for Development**. Washington, DC: World Bank.Pp: 125.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.7.2]